TRANSCRIPT · EPISODE 199

Short Stories with Peter: The Gift of the Magi

English learning resource · FA

Line-by-line · English + Persian

47 lines

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

Welcome to Short Stories with Peter, from Your English Toolbox.

به Short Stories with Peter از Your English Toolbox خوش آمدید.

Today, an original learning adaptation of The Gift of the Magi by O. Henry.

امروز اقتباسی آموزشی و تازه از داستان «هدیه مغان»، نوشته ا هنری، را می‌شنویم.

Listen for what the two people in this story are willing to give up for each other.

گوش کن ببین این دو نفر حاضرند برای یکدیگر از چه چیزی بگذرند.

Della counted the money she had saved.

دلا پولی را که پس‌انداز کرده بود شمرد.

It was not enough to buy the gift she wanted for Jim, her husband.

پولش برای خرید هدیه‌ای که برای جیم، شوهرش، می‌خواست کافی نبود.

I have so little, and tomorrow is Christmas.

این‌قدر کم دارم و فردا کریسمس است.

Della looked at her long, beautiful hair.

دلا به موهای بلند و زیبایش نگاه کرد.

It was her greatest treasure.

آن بزرگ‌ترین گنج او بود.

She put on her old coat and hurried to a shop that bought hair.

کت قدیمی‌اش را پوشید و با عجله به مغازه‌ای رفت که مو می‌خرید.

Will you buy my hair?

موهایم را از من می‌خرید؟

The shopkeeper offered her twenty dollars.

صاحب مغازه بیست دلار به او پیشنهاد کرد.

Della agreed, and soon her hair was cut short.

دلا پذیرفت و کمی بعد موهایش کوتاه شده بود.

With the money, she searched the shops for something worthy of Jim.

با آن پول در مغازه‌ها گشت تا هدیه‌ای درخور جیم پیدا کند.

At last, she found a simple chain for his treasured watch.

سرانجام زنجیری ساده برای ساعت ارزشمند جیم پیدا کرد.

She hurried home and curled her short hair, wondering what Jim would think.

با عجله به خانه برگشت و موهای کوتاهش را فر کرد و با خود فکر کرد جیم چه خواهد گفت.

Jim stood in the doorway and stared at her.

جیم در آستانه در ایستاد و به او خیره شد.

Della, what happened to your hair?

دلا، موهایت چه شده است؟

I sold it so I could buy your Christmas present.

موهایم را فروختم تا بتوانم هدیه کریسمست را برایت بخرم.

Jim held out a small package.

جیم بسته کوچکی را به سوی او گرفت.

I bought you the combs you have always admired.

شانه‌هایی را برایت خریده‌ام که همیشه تحسین می‌کردی.

Della opened it and saw the beautiful combs.

دلا آن را باز کرد و شانه‌های زیبایی دید.

She hugged them close, then gave Jim the chain for his watch.

آن‌ها را به سینه فشرد و سپس زنجیر ساعت را به جیم داد.

Jim smiled sadly.

جیم با اندوه لبخند زد.

I sold my watch to buy your combs.

ساعتم را فروختم تا آن شانه‌ها را برایت بخرم.

For a moment, neither of them spoke.

برای لحظه‌ای هیچ‌کدام حرفی نزدند.

Their gifts could not be used as they were.

نمی‌توانستند از هدیه‌هایشان به شکل فعلی استفاده کنند.

But each had given up a treasure to make the other happy.

اما هر کدام از گنجی گذشته بود تا دیگری را خوشحال کند.

Their love was the real gift.

عشقشان هدیه واقعی بود.

End of the story.

پایان داستان.

Now, let’s dive into the language and break down some of the key vocabulary from the story.

حالا بیایید سراغ زبان برویم و چند واژه کلیدی داستان را بررسی کنیم.

Della saved money over time.

دلا کم‌کم پول پس‌انداز کرد.

To save up means to keep money until you have enough for something.

To save up یعنی پول را نگه‌داشتن تا برای چیزی به‌اندازه کافی جمع شود.

She gave up her hair for a gift.

او برای خرید هدیه از موهایش گذشت.

To give something up means to stop keeping or doing it, often because of a choice.

To give something up یعنی از داشتن یا انجام کاری دست‌کشیدن، اغلب با تصمیم خود.

Jim held out a package.

جیم بسته‌ای را به سوی او گرفت.

To hold out means to extend something towards another person.

To hold out یعنی چیزی را به سوی شخص دیگری دراز کردن.

A treasure can be a valuable object or something deeply precious to you.

Treasure می‌تواند شیئی ارزشمند یا چیزی بسیار عزیز باشد.

In the story, the watch and Della's hair are treasures.

در داستان، ساعت و موهای دلا گنج هستند.

Their presents were thoughtful, even though neither could use them as planned.

هدیه‌هایشان پرملاحظه بود، هرچند هیچ‌کدام را نمی‌شد آن‌طور که برنامه‌ریزی کرده بودند استفاده کرد.

Now you try.

حالا نوبت توست.

If you keep a little money each week for a bicycle, what are you doing?

اگر هر هفته کمی پول برای دوچرخه کنار بگذاری، چه کار می‌کنی؟

You are saving up.

داری پس‌انداز می‌کنی.

If you stop keeping a habit because you choose something else, what might you do?

اگر عادتی را به‌خاطر انتخاب چیز دیگری کنار بگذاری، چه‌کار می‌توانی بکنی؟

You might give it up.

می‌توانی آن را کنار بگذاری.

Visit the episode page for the complete transcript and vocabulary practice.

برای متن کامل و تمرین واژگان به صفحه این قسمت سر بزن.

Thank you for listening to Short Stories with Peter.

از شنیدن Short Stories with Peter سپاسگزاریم.

Until next time, take care.

تا دفعه بعد، مراقب خودت باش.